

پیش‌خواران

حاشیه‌ای بر انتشار یادمان زنده‌یاد استاد شیخ عبدالله نورانی

در نکوداشت

احیاگر میراث علمی

■ **محمدرضا کاتبینی**



اثری که هم اینک در معرفی آن سخن می‌رود، همزمان با برگزاری مراسم نکوداشت زنده‌یاد حجت الاسلام والمسلمین استاد شیخ عبدالله نورانی، در انجمن آثار و مفاخر فرهنگی منتشر شد. این

یادمان شامل گفتارهایی در باب کارنامه علمی آن مدرس و نسخه‌شناس والاقدراست که در مجموع می‌تواند مکالت علمی وی را ترسیم کند. دکتر مهدی محقق ریاست هیئت مدیره این انجمن و از دوستان آن مرحوم، در دیباچه‌ای بر این دفتر و در باب خاطرات خود از آن دانشی مرد، چنین آورده‌است:

«طی سال‌های ۱۳۳۷ تا ۱۳۴۰ که به پایمردی دانشمندخط‌شناس و هنرشناس، مرحوم‌سیدجعفر سلطان‌القرآنی، به مدیریت دایره کتاب‌های خطی کتابخانه ملی فرهنگ منصوب شدم، هر چند وقت یک بار، طلبه جوانی به دیدنم می‌آمد که از سخنانش پیدا بود او کتاب‌شناس و نسخه‌شناس است و در مشهد درس خوانده‌است نزد همان استادانی که پیش از او نزد آنان درس خوانده بودم، از جمله: شیخ محمدتقی ادب نیشابوری، حاج میرزا احمد مدرس یزدی، حاج هاشم قزوینی و حاج شیخ محمد کاظم دامغانی و از همان بزرگانی که تهذیب اخلاق و تزکیه نفس از آنان آموخته بودم، وی نیز مثاب به آداب حسنه و ملکات فاضله آنها شده بود، از جمله حاج شیخ مجتبی قزوینی و میرزا جوادآقای تهرانی. این طلبه را عصرها در کتابفروشی اسدی در بهارستان و کتابفروشی طهوری در همان حوالی می‌دیدم. با این سابقه، انس و الفت خاصی میان ما برقرار شد که تا زمان رحلت



زنده‌یادحجت‌الاسلاموالمسلمین‌شیخ‌عبدالله‌نورانی

ایشان ادامه یافت. این طلبه جوان حاج شیخ عبدالله نورانی بود که در مدرسه میرزا جعفر، واقع در صحن کهن آستان قدس رضوی(ع) سکونت داشت و هم چند وقت یک بار به تهران می‌آمد تا با لاهل علم و استادان آنجا آشنا و از نشر کتاب عربی و فارسی آگاه شود. طی سال‌های ۱۳۴۴–۱۳۴۷، در دانشگاه مکی‌گیل به تدریس علوم عقلی اسلامی پرداختم و مقدمات تاسوع شعبه تهران آن مؤسسه را فراختم و آوردم که رسماً در سال ۱۳۴۷ افتتاح شد. نخستین کسی که برای تحقق اهدافم در تأسیس مؤسسه تهران به یاری‌ام شتافت، شیخ عبدالله نورانی بود که مرا به نشر کتاب قیسات میرداماد تشویق کرد و هنگامی که مجموعه‌ای از متون و مقالات در منطق اسلامی را با همکاری پروفسور توشی‌حیکو یزوتسو فراهم آوردم، مرحوم نورانی چند مقاله بارز را با به این مجموعه تقدیم کرد. مرحوم شهید مرتضی مطهری با فرارس، استعداد علمی نورانی را دریافته بود و بنا به خواسته ایشان، نورانی در سال ۱۳۴۷ از مشهد به تهران نقل مکان کرد و همزمان با اسالی شد که پس از سه سال تدریس در کتابخانه اسدی بر گشته بودم و مؤسسه مطالعات اسلامی شعبه تهران افتتاح شده بود. نورانی نخست در حسین‌آباد لویزان اقدام کتاب گزید و به ارشاد، موظفه و ادبیات جماعت آن ناحیه پرداخت. پس از چندی دریافت که این زندگی، برای او که می‌بایست با کتابخانه‌ها، علما و دانشمندان سرور کار داشته باشد، مناسب نیست. به تهران آمد و در خانه محقر و مرطوبی، در نزدیکی میدان امام حسین(ع) ساکن شد. پس از آن به خواهش من به آپارتمانی روبروی منزل ما انتقال یافت، چنان‌که از پنجره، سیمای او را که همیشه در حال تفکر بود، نوشتم بود، می‌دیدیم. در سال ۱۳۵۲ من که مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران بودم، از ایشان خواهش کردم چند ساعتی در آن دانشکده، تدریس کنند و آمدند و شد ایشان به دانشگاه هم همکاری علمی‌ای را که میان من و ایشان بود، استوارتر می‌ساخت و هم استادان و دانشجویان از محضر پربار وی مستفیض می‌شدند. در بسیاری از همایش‌ها، من و نورانی با هم بودیم، از جمله همایش‌حزین لاهیجی در لاهیجان و همایش شیخ فضل‌الله نوری در نور که در همایش اخیر مرحوم نورانی سخنرانی مفصل و عالمانه‌ای ایراد کرد. خداوند باران‌های رحمت و مغفرت خود را بر او بریزد و او را در بهشت برین خود جای دهد…»

نظری بر گستره و ابعاد فساد سیستماتیک، در دوره حاکمیت پهلوی دوم



امیرعباس هویدا و تنی چند از اعضای کابینه‌اش. در دیدار باجصدرضاه پهلوی، در مراسم سلام شاهنشاهی

درباره فساد سیستماتیک دوران پهلوی‌ها، نخستست باید به ساختار حکومتی این رژیم نظری افکند.

واقعیت این است که سیستم تمرکزگرا و محاسبه‌ناپذیر این حکومت، اولین و مهم‌ترین عامل در باز تولید و اشاعه فساد قلمداد می‌شود. در این دوره، در آمد و خرج حکومت در بار محافل وابستهٔ بدان جمع و تفریق می‌شد و نهایتاً درآمدهای نفتی، تنها عناصر و جریانات وابسته به حاکمیت بر خوردار می‌شدند!

همچنین با حق‌السکوت دادن، سردبیر گماشتن و توقیف روزنامه‌ها و مجلات، سپاه‌ترین دوران اختناق فکری تاریخ معاصر را به ارمان آورد. این سرکوب‌ها و سانسور مطبوعات تا سال ۱۳۵۶ اعلام فضای باز سیاسی در دولت آموزگار ادامه پیدا کرد…»

■ **شاه و تلاش برای آوار کردن فساد بر سر هویدا!**

هنگامی که بهمن فساد بر سر کلیت حاکمیت پهلوی فرود می‌آمد، شاه با تشکیل کمیسیون شاهنشاهی سعی کرد تا فساد والاحضرت‌ها، والاگپرها و سایر ابواب جمعی نظام خویش را به دولت امیرعباس هویدا حواله دهد! با این همه نفس این رویکرد، خود اعترافی بر انباشت فساد گسترده در میان کارگزاران حکومت و نیز دریافت بازخوردهای آن از جامعه بود، چنانکه رضا سرحدی، پژوهشگر تاریخ معاصر ایران تحلیل کرده‌است:

«در اواخر دهه ۱۳۴۰ و سراسر دهه ۱۳۵۰، یکی از مؤلفه‌های اختلال در کارکردهای حیاتی سلطنت محمدرضا پهلوی، فساد اقتصادی بود. حضور بزرگ و نظام‌مند فساد و عدم مقبولیت قانون در سیستم سلطنت، آرامش را به تشویش مبدل کرده بود!ا در پی سلسله تظاهرات شاهنشاهی را برای محاکمه مسئولان اقتصادی و تجارت سیستم سلطنت از تشویش، ایجاد کرد. اگر قدری به عقب برگردیم، در دهه ۱۳۴۰، هنگامی که هویدا به نخست‌وزیری رسید، فساد دستگاه حکومت در سطح پایین‌تری قرار داشت، اما به دنبال افزایش بهای نفت در اواخر دهه ۱۳۴۰ و با ورود به دهه ۱۳۵۰ و جاری شدن سیل دلارهای نفتی از کشورهای غربی، فساد هیئت حاکمه نیز روزافزون شد!امروزه به رشد، قفسی برای محمدرضا پهلوی ساخت که ترس از ملیه‌های اهتسین این قفس، او را به واکنش واداشت. تلاش‌های شاه برای خروج از این قفس، نوعی اعتراف ضمنی به شیوع گسترده تبعات خلاف قانون، برای انجام معاملات و پیشبرد مقاصد کسب‌وکار در آن دوران بود. صدور فرمان شاهنشاهی طی این سال‌ها فساد در بخش فرهنگی افزایش یافت و فحشا به سبک غربی آن ترویج شد. قمارخانه‌های مجهز و وابسته به رژیم، از نوع کارزینو، شبانه‌روز دائر و از جمله مراکز صرف پول‌های به‌دست این خاندان می‌شد، اعتراف دیگری بود بر اینکه خوشنویشان شاه، به اموری پرش‌برانگیز اشتغال داشته‌اند. واکنش شاه، منجر به سبز بلا ساختن حلقه پیرامونی، در جهت محافظت از خود شد. افزایش نارضایتی‌های مردمی و انتقادات نسبت به فساد مالی، او را در موقعیتی قرار داد که احساس کرد اگر اقدامی نمادین انجام ندهد، موقعت تاج و تختش به خطر خواهد افتاد!در اواخر دولت هویدا بود که جلسات کمیسیون شاهنشاهی به ریاست نصرت‌الله معینیان معاون نخست‌وزیر و سرپرست تبلیغات و حضور تیمسار حسین فردوسی رئیس بازرسی شاهنشاهی، تشکیل و جریان آن از تلویزیون پخش می‌شد. کاربوزه اصلی کمیسیون شاهنشاهی کمک به شاه برای خروج از قفسی بود که فساد مالی رژیم سلطنت برای او ساخته بود. هویدا یکی از هدف‌های مورد علاقه مخالفان بود. شاه باور داشت که اگر با هویدا برخورد صورت نگیرد، حملات مستقیم‌ها به شخص او خواهد بود!او این رو فریدون هویدا پیششاه شاه به برادرش (امیرعباس هویدا)، مبنی بر خروج از ایران را کذب محض می‌داند و برعکس وقتی که یکی از بستگان هویدا بدون اطلاع خود هویدا به شاه مراجعه می‌کند و از او می‌خواهد تا هویدا را نیز به همراه خود ببرد، شاه که در آن روزها جز به حفظ جان خود و اعضای خانواده‌اش و خروج از قفس اهتسین نمی‌اندیشید، به تقاضای آنان ترتیب اثری نداد! محمدرضا پهلوی نه‌تنها به فکر نجات هویدا از چنگال کمیسیون شاهنشاهی نبود، بلکه با پیشنهاد بختیار برای ترتیب یک محاکمه نمایشی و اعدام هویدا هم موافقت کرده بود!ازیرا ساده‌پوارانه می‌اندیشید که با قربانی کردن هویدا مردم آرام خواهند شد و سلطنت او دوام خواهد یافت!روند کمیسیون شاهنشاهی به‌گونه‌ای بود که وزیران یکی‌یکی می‌آمدند و ایرادات کار خود را توضیح می‌دادند. این تصمیم شاه، تسنجیده و جنگی نمادین با واقعیت فساد مالی بود که وزیران یکی‌یکی می‌آمدند و ایرادات کار خود را توضیح می‌دادند. این تصمیم شاه، تسنجیده و جنگی نمادین با واقعیت فساد مالی بود، چراکه مبارزه نمادین با فساد مالی و حضور مقامات لشکری و کشوری در این نمایش اثرات نامطلوبی برای مملکت و دستگاه سلطنت داشت.

برآوردها، در فاصله سال‌های ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۵، برخی افراد نزدیک به شاه اعم از درباریان و دوستان نزدیک به شاه، حداقل یک‌میلیارد دلار کمیسیون گرفته بودند! این توزیع مازاد اقتصادی و تخصیص آن به بلندپایگان جامعه ایرانی، بخشی از شالوده مادی قدرت شاه را تشکیل می‌داد و وفاداری این افراد و وابستگانشان به دولت و شخص شاه را تقویت می‌کرد!

از این نمونه می‌توان به عنوان یکی از مصادیق فساد سیاسی و اقتصادی نام برد. البته سیستم بانکداری در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ نیز عامل مهمی در افزایش فساد، به‌خصوص بخش اقتصادی آن بود، چراکه با افزایش قیمت نفت، شاه نه تنها انجام فعالیت‌ها و طرح‌های اقتصادی و اجتماعی و صنعتی از رانتهای به بخش خصوصی وابسته به خود، از جمله بانکداری واگذار نمود، بلکه بانک‌ها به عاملی جهت تخصیص رتبه و وام‌های کلان به افراد نزدیک به حاکمیت تبدیل شدند. البته بر پرداخت وام، به خودی خود، رانت محسوب نمی‌شود، بلکه زمانی می‌توان از این عنوان استفاده کرد که وام مزبور با نرخ بهره کمتر از تورم در اختیار افراد قرار گیرد، اتفاقی که در این دوره افتاد و باعث شد تا وام‌گیرندگان با بهره‌مندی از رانتهای به‌دست‌آمده، آن را در مسیر امیال شخصی یا احراز پست‌های سیاسی، استفاده نمایند. در این رابطه و در نمونه‌های تخصیص اموال عمومی در امور شخصی می‌توان به اسناد به‌دست‌آمده از منزل مهندس محسن فروغی، سناتور شاه و عضو فراماسون و فرزند محمدهلی فروغی یا شرکت فرانسوی ژانسن اشاره کرد که قرار دادی به مبلغ ۱۱۵۰۰۰۰۰ فرانک برای

در نخستین فراز از سخن، درباره فساد سیستماتیک دوران پهلوی‌ها باید به ساختار حکومتی این رژیم نظری افکند. واقعیت این است که سیستم تمرکزگرا و محاسبه‌ناپذیر این حکومت، اولین و مهم‌ترین عامل در تولید و اشاعه فساد قلمداد می‌شود. در این دوره، در آمد و خرج حکومت در تاریکخانه دربار و محافل وابسته بدان جمع و تفریق می‌شد و نهایتاً از درآمدهای نفتی تنها عناصر و جزئیات وابسته به حاکمیت برخوردار می‌شدند!ا هرا سعیدی، پژوهشگر تاریخ معاصر ایران در این باره می‌نویسد:

«میان فساد و ساختار سیاسی حکومت، رابطه مستقیمی وجود دارد. به عبارتی هر چه یک سیستم سیاسی از تمرکزگرایی سیاسی و اقتصادی بیشتری برخوردار باشد، امکان فساد در آن حکومت افزایش می‌یابد. بر این اساس می‌توان گفت که حکومت پهلوی نیز بعد از کودتای ۲۸ مرداد، به سمت تمرکزگرایی حرکت و بسیاری از نهادهای پراکنده قدرت را سرکوب یا تعدیل کرد. مطابق با این روند، دربار سلطنتی کوشش‌های مستمری را در جهت از میان بردن وضعیت پراکندگی منابع قدرت سیاسی و ایجاد کنترل متمرکز بر آنها انجام داد. در این‌فرآیند، گروه‌های قدرتی که در نتیجه فروپاشی ساخت قدرت مطلقه رضاشاه آزاد شده بودند، یکی پس از دیگری به‌مرکز قدرت درآیدند. تمرکزگرایی قدرت در بسیاری از موارد، با موضوع عدم التزام حکومت‌مداران به قانون همراه است و طبیعی است که در صورت عدم وجود قانون یا کنترل قانونمند، فساد افزایش می‌یابد. نمود این موضوع نیز در حکومت پهلوی به چشم می‌خورد. بر این اساس بعد از کودتای ۲۸ مرداد، محمدرضاشاه و دربار، به طور مژثری در انتخابات مجلس دخالت و با استفاده از شیوه‌های مختلفی همچون به‌کارگیری نیروهای امنیتی، تعیین و گزینش داوطلبان مورد نظر و حذف امیدهای مختلفی در جریان انتخابات، اعمال نفوذ می‌کردند!... در کنسار این موارد، می‌توان به برخی ویژگی‌های خاص دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ از جمله افزایش قیمت نفت و سیاست‌های اقتصادی خاص این دوره نیز اشاره کرد. افزایش قیمت نفت، قدرت اقتصادی حکومت را بالا برد و همین امر، فساد اقتصادی و به تبع آن فساد سیاسی، نظامی و فرهنگی را شدت بخشید. اولین تبلور فساد در حکومت پهلوی را می‌توان در دربار و افراد نزدیک به شاه مشاهده کرد. بر این اساس نزدیکان محمدرضا پهلوی و نیز بسیاری از مقامات بلندپایه دیوانی به انجای مختلف در فساد اشهار داشتند. در یک نمونه بنا بر خوش‌بینانه‌ترین



امیرعباس هویدا

نظری بر گستره و ابعاد فساد سیستماتیک، در دوره حاکمیت پهلوی دوم

جمع و تفریق درآمدهای نفتی ایران در تاریکخانه دربار و محافل وابسته

■ **احمدرضا صدیقی**

در سالیان اخیر، تحریف تاریخ حاکمیت پهلوی‌ها به ویژه پهلوی دوم در دستور کار رسانه‌های محور عبوی– غربی قرار دارد. منزه نشان دادن این حکومت و بری دانستن آن از فساد، با استناد به قضایای موهوم و نیز نادیده گرفتن اسناد واقعی در زمره روش‌های این رسانه‌ها برای رسیدن به این هدف قلمداد می‌شود. در مقال پی آمده تلاش شده است تا با استناد به پارهای روایت‌ها و تحلیل‌ها وجود فساد سیستماتیک در دوران سلطنت پهلوی دوم بازنمای شود. مستندات این نوشتار، بر تار نمای پژوهشده تاریخ معاصر ایران وجود دارد. امید آنکه محققان و عموم علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.

■ ■ ■

■ **تمرکزگرایی پهلویستی، به مثابه اصلی‌ترین کانون فساد**

در نخستین فراز از سخن، درباره فساد سیستماتیک دوران پهلوی‌ها باید به ساختار حکومتی این رژیم نظری افکند. واقعیت این است که سیستم تمرکزگرا و محاسبه‌ناپذیر این حکومت، اولین و مهم‌ترین عامل در تولید و اشاعه فساد قلمداد می‌شود. در این دوره، در آمد و خرج حکومت در تاریکخانه دربار و محافل وابسته بدان جمع و تفریق می‌شد و نهایتاً از درآمدهای نفتی تنها عناصر و جزئیات وابسته به حاکمیت برخوردار می‌شدند!ا هرا سعیدی، پژوهشگر تاریخ معاصر ایران در این باره می‌نویسد:

«میان فساد و ساختار سیاسی حکومت، رابطه مستقیمی وجود دارد. به عبارتی هر چه یک سیستم سیاسی از تمرکزگرایی سیاسی و اقتصادی بیشتری برخوردار باشد، امکان فساد در آن حکومت افزایش می‌یابد. بر این اساس می‌توان گفت که حکومت پهلوی نیز بعد از کودتای ۲۸ مرداد، به سمت تمرکزگرایی حرکت و بسیاری از نهادهای پراکنده قدرت را سرکوب یا تعدیل کرد. مطابق با این روند، دربار سلطنتی کوشش‌های مستمری را در جهت از میان بردن وضعیت پراکندگی منابع قدرت سیاسی و ایجاد کنترل متمرکز بر آنها انجام داد. در این‌فرآیند، گروه‌های قدرتی که در نتیجه فروپاشی ساخت قدرت مطلقه رضاشاه آزاد شده بودند، یکی پس از دیگری به‌مرکز قدرت درآیدند. تمرکزگرایی قدرت در بسیاری از موارد، با موضوع عدم التزام حکومت‌مداران به قانون همراه است و طبیعی است که در صورت عدم وجود قانون یا کنترل قانونمند، فساد افزایش می‌یابد. نمود این موضوع نیز در حکومت پهلوی به چشم می‌خورد. بر این اساس بعد از کودتای ۲۸ مرداد، محمدرضاشاه و دربار، به طور مژثری در انتخابات مجلس دخالت و با استفاده از شیوه‌های مختلفی همچون به‌کارگیری نیروهای امنیتی، تعیین و گزینش داوطلبان مورد نظر و حذف امیدهای مختلفی در جریان انتخابات، اعمال نفوذ می‌کردند!... در کنسار این موارد، می‌توان به برخی ویژگی‌های خاص دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ از جمله افزایش قیمت نفت و سیاست‌های اقتصادی خاص این دوره نیز اشاره کرد. افزایش قیمت نفت، قدرت اقتصادی حکومت را بالا برد و همین امر، فساد اقتصادی و به تبع آن فساد سیاسی، نظامی و فرهنگی را شدت بخشید. اولین تبلور فساد در حکومت پهلوی را می‌توان در دربار و افراد نزدیک به شاه مشاهده کرد. بر این اساس نزدیکان محمدرضا پهلوی و نیز بسیاری از مقامات بلندپایه دیوانی به انجای مختلف در فساد اشهار داشتند. در یک نمونه بنا بر خوش‌بینانه‌ترین

هنگامی که بهمن فساد بر سر کلیت حاکمیت پهلوی فرود می‌آمد، شاه با تشکیل کمیسیون شاهنشاهی سعی کرد تا فساد والاحضرت‌ها، والاگپرها و سایر ابواب جمعی نظام خویش را به دولت امیر عباس هویدا نخست‌وزیر ۱۳ساله خویش حواله دهد! با این همه نفس این رویکرد، خود اعترافی بر انباشت فساد گسترده در میان کارگزاران حکومت و در یافت باز خوردهای آن از جامعه بود!

تهیه میلمان، اثنایه و تزئینات کاخ اشرف پهلوی منعقد نموده بود! با حجب‌الله ثابت معروف به پاسال که از طریق نزدیک شدن به دربار، توانست ثروت فراوانی را به‌دست آورد و در چندین مؤسسه مالی سرمایه‌گذاری نماید. پاسال بخش عمده ثروت خود را در واردات کالاهای لوکس و شخصی به‌کار می‌گرفت و در شرکت‌ها و مؤسسات زیادی، صاحب مقام بود. برخی از شرکت‌ها و مؤسساتی که پاسال مالک آنها بود یا در آنها سهام داشت، عبارتند از:بانک ایران و انگلیس، بانک ایران و خاورمیانه، بانک صنعتی ایران، بانک توسعه صنعت و معدن ایران، مؤسسات تولیدی و تجاری پیسی کولا، سیمان مشهد، پلاسکو، جنرال‌تایپر و رایسر، ایران فراواگ، سیکاب و فرانس پیک. فساد مالی، فساد در دیگر بخش‌ها همچون بخش فرهنگی و نظامی را به دنبال داشت. از آنجا که تمام بخش‌های یک سیستم سیاسی در ارتباط با یکدیگر هستند، فساد در یک بخش می‌تواند به سایر بخش‌ها نیز منتقل شود. بر این اساس از سال ۱۳۴۰، بخش عظیمی از پول‌های کشور، صرف جشن‌های مختلف شاهنشاهی و زدووندهای اقتصادی و سیاسی شد. همچنین طی این سال‌ها فساد در بخش فرهنگی افزایش یافت و فحشا به سبک غربی آن ترویج شد. قمارخانه‌های مجهز و وابسته به رژیم، از نوع کارزینو، شبانه‌روز دائر و از جمله مراکز صرف پول‌های به‌دست این خاندان می‌شد، اعتراف دیگری بود بر اینکه خوشنویشان شاه، به اموری پرش‌برانگیز اشتغال داشته‌اند. واکنش شاه، منجر به سبز بلا ساختن حلقه پیرامونی، در جهت محافظت از خود شد. افزایش نارضایتی‌های مردمی و انتقادات نسبت به فساد مالی، او را در موقعیتی قرار داد که احساس کرد اگر اقدامی نمادین انجام ندهد، موقعت تاج و تختش به خطر خواهد افتاد!در اواخر دولت هویدا بود که جلسات کمیسیون شاهنشاهی به ریاست نصرت‌الله معینیان معاون نخست‌وزیر و سرپرست تبلیغات و حضور تیمسار حسین فردوسی رئیس بازرسی شاهنشاهی، تشکیل و جریان آن از تلویزیون پخش می‌شد. کاربوزه اصلی کمیسیون شاهنشاهی کمک به شاه برای خروج از قفسی بود که فساد مالی رژیم سلطنت برای او ساخته بود. هویدا یکی از هدف‌های مورد علاقه مخالفان بود. شاه باور داشت که اگر با هویدا برخورد صورت نگیرد، حملات مستقیم‌ها به شخص او خواهد بود!او این رو فریدون هویدا پیششاه شاه به برادرش (امیرعباس هویدا)، مبنی بر خروج از ایران را کذب محض می‌داند و برعکس وقتی که یکی از بستگان هویدا بدون اطلاع خود هویدا به شاه مراجعه می‌کند و از او می‌خواهد تا هویدا را نیز به همراه خود ببرد، شاه که در آن روزها جز به حفظ جان خود و اعضای خانواده‌اش و خروج از قفس اهتسین نمی‌اندیشید، به تقاضای آنان ترتیب اثری نداد! محمدرضا پهلوی نه‌تنها به فکر نجات هویدا از چنگال کمیسیون شاهنشاهی نبود، بلکه با پیشنهاد بختیار برای ترتیب یک محاکمه نمایشی و اعدام هویدا هم موافقت کرده بود!ازیرا ساده‌پوارانه می‌اندیشید که با قربانی کردن هویدا مردم آرام خواهند شد و سلطنت او دوام خواهد یافت!روند کمیسیون شاهنشاهی به‌گونه‌ای بود که وزیران یکی‌یکی می‌آمدند و ایرادات کار خود را توضیح می‌دادند. این تصمیم شاه، تسنجیده و جنگی نمادین با واقعیت فساد مالی بود، چراکه مبارزه نمادین با فساد مالی و حضور مقامات لشکری و کشوری در این نمایش اثرات نامطلوبی برای مملکت و دستگاه سلطنت داشت.

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله

شاه‌عبدالله